

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۱ جون ۲۰۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۱۲)

انفجار در میدان شهر:

به تاریخ ۵ جون انفجاری در کابل بانک این ولایت صورت گرفت که در اثر آن دو فرد امنیتی این بانک به قتل رسیدند و کسی زخمی نداشت. مین قبلاً جا به جا شده بود و صدای مهیبی داشت. در این حال از هلمند خبر می رسد که در همین تاریخ یک سرباز انگلیسی که با سربازان افغان گزمه می کرد، از فاصله نزدیک مورد اصابت یک مرمی سلاح سبک قرار گرفت و در دم جان داد. در ماه های اخیر حمله از نزدیک و مین گذاری بر نیرو های خارجی در افغانستان زیاد شده است.

قومندان میرزمان کشته شد:

به تاریخ ۵ جون حینیکه قومندان میرزمان در مرکز کنر به سوی دفتر کارش روان بود در اثر اصابت مین با او کشته شد. این قومندان که عضو شورای ولسوالی و ته پور است و مدیر قبایل این ولایت می باشد، در گذشته یکی از جنایتکاران مشهور حزب اسلامی در این ولسوالی بود، وی بعد از تهاجم امریکا به افغانستان با دولت همکاری کرد و در این وقت ها در ریاست قبایل این ولایت کار می کرد که با اصابت مین به درک فرستاده شد. مردم در این ولسوالی از قتل این جنایتکار گلبدینی بسیار خوشحال بودند.

اربکی ها عشر می گیرند:

یکی از مناطقی که اربکی های چپاولگر نسبت به هر منطقه ای بیشتر به ظلم و استبداد در آنجا می پردازند، ولایت کندز است. در این ولایت از روز های اول طرح اربکی سازی بیش از ۱۵۰۰ نفر مسلح شده و در این روز ها که

زمان برداشت محصول زراعتی است، اربکی ها بر سرخرمن های مردم رفته و به زور دهم حصه عاید دهقانان را به نام عشر جمع آوری می کنند. با اینکه دهقانان در چند روز گذشته شکایت های بسیاری به ولایت برده، اما کسی از آنها هیچ بازخواست نکرده، اربکی ها استدلال می کنند که چون دولت به ما نه پول و نه غله می دهد، پس برای ما راهی جز این که به عشر پناه ببریم وجود ندارد و حال هر دهقانی که حاصل برداردی می کند با ید دهم حصه عاید خود را جدا بسازد و به اربکی احوال دهد که آمده و «حق» خود را ببرد، در غیر آن مورد تهدید و آزار اربکی ها قرار می گیرند. دولت پوشالی نیز دست این اربکی ها را باز مانده و هر طور دل شان خواست همانطور عمل می کنند. یارمحمد یک دهقان کندزی به رسانه ها می گوید که وقتی حاصل ۳۰۰ سیری خود را برداشتم، اربکی ها سر رسیدند و ده سیر را به نام عشر به خود اختصاص داده و با خود بردند، بدون اینکه رضایت ما در این دادن عشر نزد شان مطرح باشد، یا نباشد، آنان این کار را انجام می دهند و پروای کسی را هم ندارند.

ماریوت سازی:

در حالیکه سرتاسر افغانستان را فقر و بیکاری فرا گرفته است و ۷۰ درصد مردم با بحران غذایی رو به رو اند، اینک امریکائی ها هتل بزرگ پنج ستاره ای را در کابل می سازند. این هتل که ماریوت نامیده می شود و در کنج جنوب شرقی چهارراهی صحیه ساخته می شود، هتلی است دارای ۶ طبقه که به مصرف ۱۰۰ میلیون دالر ساخته می شود. ۲۳۹ اتاق و هشت سالون کنفرانس دارد. چون در مقابل سفارت امریکا قرار دارد و تمام ترتیبات امنیتی آن توسط نیروهای امریکائی کنترل می شود، برای مسافران مهم استخباراتی امریکا محل بسیار مطمئن و مصنوعی به حساب می آید. این که زمین این هتل چگونه در خدمت این کمپنی قرار گرفته تا حال چیزی گفته نشده است.

سناریوی مصالحه با طالبان:

با اینکه داکتر عبدالله در زمان برگزاری جرگه امن منطقه ئی، از سوی کرزی رئیس این جرگه شد، برخی ها تعجب کردند، اما آدم های هوشیار و آگاه هرگز تعجب نکرده و دانستند که این مقرری ها از سفارت امریکا در کابل صورت می گیرد و افرادی چون داکتر عبدالله نیز ناگزیر اند که این دستور را به اجراء در آورند. جدال برسر مصالحه با طالبان، از مدتی به این سو میان کرزی و مخالفانش درگرفته، در آغاز بسیاری به این باور بودند که طرح مصالحه با طالبان، تلاش من در آوردی خودکرزی است که می خواهد از طریق نزدیک شدن به طالبان از اوضاع به نفع خود سود ببرد. اما بعد از آنکه اشغالگران المانی ۵۰ میلیون دالر به این پروسه کمک کردند، برخی ها متوجه شدند که در عقب این پروسه، باز هم دست اشغالگران دراز می باشد و از آن حمایت می کنند و بعد از آنکه امریکا به این پروسه داخل شد و ۵۰ میلیون دالر کمک کرد، بیش از پیش مردم به این نتیجه رسیدند که غربی ها نیز از این حرکت حمایت کرده، چه بسا که خود طراح آن بوده باشند.

بعد از آنکه ربانی به عنوان رئیس شورای عالی صلح تعیین شد، درمیان منتقدان کرزی تا حدی درز ایجاد گردید، چون دیدند که رهبر جهاد و مقاومت خود بر سکوی مصالحه با دشمنان خونین دیروزش قرار دارد، لذا برخوردهای یک جانبه این جمع که فقط می خواستند بر کرزی انتقاد کنند اما در برابر ربانی خاموش بودند به بی اعتباری آنان منجر گردید. با اینکه مقامات ارشد امریکائی تا حال گفته اند که تا زمانی با طالبان صلح نخواهند کرد که قانون اساسی افغانستان را به رسمیت نشناخته اند و حقوق زن را مراعات نکنند و با این پیش شرط قرار دادنها، بسیاری فکر می کردند که امریکائی ها تمایلی به طرح کرزی ندارند.

در این حال نشرات غربی فاش کردند که هیأتی به ریاست طیب آغا که یکی از مشاوران نزدیک و مورد اعتماد ملا عمر است، به طور مخفیانه، ابتداء یک دور مذاکره با امریکائی ها در قطر داشته و بعد این مذاکرات در المان ادامه یافته است. با اینکه کاخ سفید، گراسمن را مأمور پیشبرد مذاکره با طالبان نموده، اما اینکه در این مذاکره چه کسانی از امریکائی ها نمایندگی کرده، افشاء نشده است. گفته می شود که طالبان شرایط خود را برای مذاکره رسمی با امریکائی ها مطرح نموده اند. این شرایط شامل چهار مورد است که امریکائی ها قبل از آغاز مذاکره رسمی تضمین های خروج از افغانستان را ارائه کنند، امریکا قبل از آنکه دست به تخلیه افغانستان بزند، باید تمام نیرو های خود را در محلی مثل میدان هوایی بگرام جمع کند، سر از آغاز رسمی مذاکرات، امریکائی ها باید تمام عملیات نظامی زمینی و هوایی خود را بند کنند و بالاخره طالبان پذیرفته اند که نقش عربستان سعودی را به عنوان میانجی می پذیرند.

با تمام این شرایط که فقط خروج نیروهای خارجی از افغانستان را در پی دارد و اینکه جواب نمایندگان ایالات متحده در برابر طالبان چه بوده تا حال افشاء نشده است. اما به باور بسیاری در صورتی که امریکا نیرو هایش را از افغانستان بیرون کند و قدرت را به طالبان بسپارد، پس ضرورت چنین مذاکراتی چه می باشد. فرماندهان امریکائی از مدت ها به این سو اعلان می کنند که در زمستان گذشته چنان ضربات کاری بر طالبان وارد ساخته که طالبان توان باز پس گیری مناطق از دست رفته را ندارند. آنان به این باورند که تشکیلات القاعده با کشته شدن ۹۰۰ قومندان آن در وزیرستان و بر فرق همه قتل اسامه در این منطقه اثرات جدی بر تضعیف القاعده داشته است. طالبان نیز در سال گذشته دهها قومندان شان را از دست دادند و چون به باور امریکائی ها چنین تضعیفی در صفوف القاعده و طالبان رو نما گشته، لذا زمینه را برای مذاکره با طالبان مساعد دیده است. چیزیکه ستراتیژیست های امریکائی چند سال قبل آن را ابراز می داشتند.

مهمترین مسأله در مذاکره با طالبان قبولی پایگاه های دایمی امریکا در خاک افغانستان است، تلاشی که اکنون از سوی دولت های افغانستان و امریکا در جریان است و به گمان اغلب احتمال می رود که در جریان تدویر لویه جرگه نمایی به ثمر بنشیند و بر این حضور مهر تأیید گذاشته شود. اما امریکا برای حضور آینده اش ضرورت دارد تا نا امنی کنونی مقداری مهار گردد، این را با فشار جنگ و پیشنهاد صلح می توانند تا حدی به دست بیاورند. اما این بدان معنی نیست که امریکا به این آسانی همه منافع قاره ئی خود را در این جا سر جایش بگذارد و دوباره به آنسوی دنیا عودت کند. بسیاری از مردم عوام افغانستان به این باورند که امریکائی ها تا حال گاهی از دل و جان در برابر طالبان نجنبیده و اگر چنین ضرورتی را همین فردا احساس کنند، قادرند که تا چند روز بخشی از گلیم اقتدار این گروه را در مناطق مختلف افغانستان جمع کنند. اما چون سیاست امریکا در جنگ با طالبان با نوعی کجدار و مریز همراه بوده، لذا برای این کار تا حال تعلل صورت گرفته است.

با اینکه القاعده در دو سال اخیر ضربات سختی از بی پیلوت های امریکائی چشیده و بیش از ۲۰ هزار نیروی خود را از وزیرستان به یمن و جاهای دیگری در شاخ افریقا انتقال داده، طالبان نیز به دو گروه که جدا از یکدیگر عمل می کنند، تقسیم شده و در میان نیرو های حزب اسلامی و طالبان در کندز، بغلان و ورودک تا حال چندین درگیری به وقوع پیوسته، لذا بعد از این امریکائی ها گروه طالبان را نیروی غیر قابل کنترولی تصور نکرده و از نحوه صحبت فرماندهان امریکائی می توان به نتیجه رسید که بعد از این بخشی از طالبان را با فشار و تطمیع به مصالحه وا می دارند و بعد برای آنان در دولت حسابی باز می کنند و به بخشی از قدرت مبدل می سازند. طالبان جدیدی که در حکومت جابه جا می شوند، دیگر بر سنت ها و بنیاد گرائی طالبانی سوار نخواهند بود و مثل طالبانی

که اکنون در دولت قرار دارند و یا در همگامی با آن کار می کنند به عملکرد های زمان امارت شان رو نخواهند آورد.

در شرایطی که اخیراً طالبان اعلان کرده ، مطمئناً که بعد از چند دور مذاکرات تغییراتی به وجود خواهد آمد. امریکا این را می داند و به این خاطر صحبت ها و چانه زنی ها را پیش می برد، اما ضعیف به نظر می رسد که تمام گروه های طالب در این مذاکرات تسلیم شوند. بخشی از آنها به مصالحه خواهند پیوست و بخشی تا مدت ها درگیر خواهند ماند، زیرا ادامه هر چند جنگ محدود باز هم ضرورت این روز گار است و تا سالها ضرورت خواهد بود.

بمباران بی پیلوت ها:

بی پیلوت های امریکائی به تاریخ ۵ جون سه حمله در کنار مرز افغانستان با پاکستان انجام داد. در این حمله که ۱۸ جنگجوی خارجی و داخلی به قتل رسیدند، عده ای زیادی زخمی شدند. اینان افراد طالب و القاعده بود که عزم آمدن به افغانستان را داشتند. در این حمله از کشته شدن افراد سرشناس القاعده و یا طالبان چیز گفته نشده است. این حملات بی پیلوت های امریکائی در حالی به منطقه قبایلی پاکستان جریان دارد که چند روز قبل الیاس کشمیری رهبر معنوی لشکر طیبیه در حمله بی پیلوت ها به قتل رسید و این ضربه ای کاری بر پیکرتنظیم لشکر طیبیه و در مجموع القاعده به حساب می آید. زیرا قتل الیاس کشمیری زنگ خطری به رهبران و قومندانان القاعده و طالب نیز به حساب می آید.